

نوروز در ایران و کشورهای همسایه

گردونه زایش و ماندگاری

تحقیق و گردآوری:
آتوسا خداداد
ندا کامکار دهکردی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نوروز جشنی همگانی در فرهنگ ایران و بین‌النهرین و از معدود بازمانده های جشن‌های باستانی است. امروزه با گسترده شدن علوم ارتباطات و مراودات گسترده اجتماعی که به واسطه انواع سفرها اتفاق می افتد پرده از جغرافیای گسترده نوروز برداشته شده است. تا پیش از این سیاست های کوتاه اندیشانه حکام در شوروی سابق همواره بر محدود نگاه داشتن این آیین باستانی متمرکز بود. مردمانی از سراسر خاورمیانه، بالکان، قزاقستان، تاتارستان، در آسیای میانه چین شرقی (ترکستان چین)، سودان، زنگبار، در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز آمریکای شمالی، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و تبت این آیین را جشن می گیرند و گرامی می دارند.

جامعه جهانی امروزه به این باور رسیده است که این آیین باستانی، با ریشه ایرانی به رسمیت شناخته شود و در تقویم جامعه جهانی جای بگیرد. در متن به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳ هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می گیرند توصیف شده است.

یادداشت حاضر به مناسبت فرارسیدن بهار ۱۳۹۰ شمسی نوروز و باورهای آن را در ایران و برخی کشورهای همسایه بررسی می کند.



برگزار می‌شد. تقریباً از اوایل اسفند مردم ایران باستان به پیشواز نوروز می‌رفتند. در عهد ساسانیان نوروز را به "نوروز عامه" و "نوروز خاصه" تقسیم کرده بودند. ۵ روز اول فروردین "نوروز عامه" یا نوروز کوچک بود. در نوروز عامه مراسم بارعام شاهانه برگزار می‌شد شاه به اطرافیان و مردم عیدی می‌داد و مجرمین و گناهکاران را عفو می‌کرد. ششمین روز فروردین که به اعتقاد بسیاری از محققان روز تولد زردشت است، به نوروز بزرگ معروف بود و جشن برای شاه و نزدیکان وی برگزار می‌شد. یکی از مراسم کهن نوروزی، پاشیدن آب بر روی یکدیگر بود،

در مورد پیدایش نوروز روایات مختلفی وجود دارد که اغلب آنها پیدایش نوروز را به زمان جمشید چهارمین پادشاه پیشدادی نسبت می‌دهند. در برهان قاطع پیدایش نوروز این گونه بیان شده است: "جم در سیر عالم چون به آذربایجان رسید فرمود تخت مرصعی را بر جایی بلند رو به جانب مشرق گذارند و خود تاج مرصعی بر سر نهاده و بر آن تخت بنشست. همین که آفتاب طلوع کرد و پرتو آن بر آن تاج و تخت افتاد، شعاعی در غایت روشنی پدید آمد. مردمان از آن شادمان شدند و گفتند این روز نواست و چون به زبان پهلوی شعاع را "شید" می‌گویند،

جشن نوروزی اقوام ایرانی در کاروانسرای خانان تهران. عکس ما: لیلیا کاشانی



به این ترتیب که مردم صبح اول نوروز به کنار نهر یا رودخانه می‌رفتند و خود را می‌شستند و بر یکدیگر آب می‌پاشیدند. ابوریحان بیرونی علت وجود رسم آب پاشی را این گونه بیان می‌کند: چون تن انسان در زمستان به دوده‌های آتش آلوده می‌شد، مردم با آب پاشی به خود و دیگران آلودگی‌ها را پاک می‌کردند تا از هر گناهی پاک شوند. در روزگار ساسانیان آغاز بهار به دلیل در نظر نگرفتن کیسه با اول آذرماه مصادف بود از این رو مراسم سنتی «بهار جشن» را در آغاز آذرماه که همزمان با بهار بود انجام می‌دادند.

این لفظ را بر جم افزودند و او را جمشید خواندند و جشن عظیم کردند و از آن روز این رسم پیدا شد. در ایران باستان دو فصل گرما و سرما وجود داشت که فصل گرما شامل ۲ ماه و فصل سرما شامل ۱۰ ماه بود ولی پس از مدتی تابستان دارای ۷ ماه و زمستان دارای ۵ ماه شد. در هر یک از این ۲ فصل جشنی برگزار می‌شد که هر دو، آغاز سال نو به شمار می‌رفت: جشن اول به هنگام فصل گرما یعنی وقتی که گله‌ها را از آغل‌ها به چمن‌های سبز و خرم می‌بردند و جشن دوم در آغاز فصل سرما که گله را به آغل می‌آوردند،

مردم شهرهای مختلف و بیش تر روستاهای ترک نشین تدارک نوروز را حدوداً از دو هفته مانده به پایان سال آغاز می‌کنند. زنان آذربایجانی این روزها شور و شوق ویژه‌ای دارند

شاه بازی، یا میرنوروزی

از جمله رسم های قدیمی مربوط به جشن عید نوروز، جشن میرنوروزی بود. این رسم پادشاه نوروزی، تا همین اواخر در ایران معمول بود و در بعضی از نواحی ایران آثاری از آن باقی است. علامه محمد قزوینی، درباره میرنوروزی، با استناد به این شعر حافظ

سخن در پرده می گویم، چو گل از غنچه بیرون آید
که بیش از پنج روزی نیست، حکم میرنوروزی



یکی از این مراسم که شهرتی بسیار داشت و همانند جشن های کارناوالی بوده است "کوسه برنشین" نام دارد.

مردی بدون ریش (کوسه) با لباس های مندرس را بر خر سوار می کردند و به یک دستش کلاغ و به دست دیگرش بادبزن می دادند. مرد در حالی که در کوچه و بازار شعر می خواند با بادبزن خود را باد می زد و می گفت: "هوا گرم است". مردم کوچه و بازار وی را به سخره می گرفتند و به سویش برف پرتاب می کردند و هدایایی نیز به وی می دادند. هدایایی که از صبح تا ظهر جمع می کرد به خزانه و پادشاه تعلق داشت و هدایایی که بعد از ظهر تا غروب جمع می کرد به خود او تعلق داشت. نمایش "کوسه برنشین" یا "کوسه گلین"، نمایشی نمادین از خداحافظی با زمستان و استقبال از بهار بوده که بیرونی در کتاب "آثارالباقیه" این سنت را منحصر به مردم فارس می داند.

ایرانیان قدیم برای استقبال از بهار، ۲۵ روز مانده به نوروز ۱۲ ستون خشتی یا سنگی در صحن دارالملک بر پا می کردند (۱۲ ستون، به نشانه اعتقاد مردم به قرار گرفتن جهان بر روی ۱۲ ستون) و بر روی آنها گندم، عدس، ذرت، لوبیا، نخود، کنجد، ماش و ارزن و... می کاشتند. در روز ششم فروردین (عید بزرگ) سبزه ها را با شادی و سرور می کنند و بین جمع پراکنده می کردند. برخی می گویند مردم بر این دانه ها تفال می زدند به این معنا که آن مردم معتقد بودند سبزه ای که رشد بیش تری می کرد و کشیده تر می شد، در آن سال دانه اش رشد خوبی خواهد کرد و محصولش پر بار خواهد بود.

پیشواز از نوروز و خانه تکانی

مردم شهرهای مختلف و بیش تر روستاهای ترک نشین تدارک نوروز را حدوداً از دو هفته مانده به پایان سال آغاز می کنند و شاید خانه تکانی همراه با تهیه ی مقدمات نوروز از اواسط اسفندماه به بعد، یکی از مهم ترین کارهایی باشد که پیشواز از نوروز را در ذهن ها زنده می کند. باور مردم بر این است که با فرارسیدن نوروز همه چیز باید نو و پاکیزه شود و برخی دیگر را عقیده بر آن است، چون در این ایام ارواح درگذشتان و مردگان برای دیدار بازماندگان خود می آیند، لذا باید همه چیز تمیز و مرتب باشد تا ارواح از سوی خانواده خود دچار یأس و ناراحتی نشود. زنان آذربایجانی در این روزها چنان شور و شوق پیدا می کنند که به خاطر نو شدن سال گرد و غبار از چهره اسباب و اثاث منزل می روبند و رخت و لباس ها را می شویند و پاکیزه می کنند. طی ایام گذشته در روستاها زنان باسلیقه، دیوار خانه های خود را بادوغ آبی که از خاک سفید تهیه می شد، سفیدکاری می کردند. یا در مناطقی مانند تکاب این نقش عبارت بود از: قرص خورشید بر دیوار شرقی خانه و تصویر انسانی در حال ایستاده، که به منزله ی یکی از فرشتگان، ترازویی را که دو کفه آن کاملاً متعادل و متوازی است، در دست دارد. در طرف دیگر قرص خورشید، چهره ی پسر و دختری را که دست یک دیگر را گرفته اند، نقش کرده و هلال ماه و چند ستاره در اطراف آن.

ایرانیان قدیم برای
استقبال از بهار، ۲۵
روز مانده به نوروز ۱۲
ستون خشتی یا سنگی
در صحن دارالملک بر پا
می کردند (۱۲ ستون،
به نشانه اعتقاد مردم
به قرار گرفتن جهان بر
روی ۱۲ ستون)

تعبیر این شعر حافظ عبارت است از پادشاه یا امیری یا حاکمی موقتی که سابقاً در ایران رسم بود. در ایام عید نوروز محض تفریح عمومی و مضحکه، او را بر تخت می نشاندند و پس از انقضای ایام جشن، سلطنت او نیز به پایان می رسیده است.

گویا پادشاه حقیقی، محض مطابقت سنت عمومی در آن چند روز، خود را بر حسب ظاهر از سلطنت خلع می کرده و نام پادشاهی را با جمیع لوازم ظاهری آن، از فرمانروایی مطلق و اطاعت عموم عمال دولت، از کشوری و لشکری، از اوامر

گاهنبار همسپتمدم بوده که خلقت انسان در این روزها به مرحله عمل رسیده، بنابراین با شادمانی و افروختن آتش های فراوان برگزار می شد.

استاد دکتر محمد مقدم معتقد است که امروزه به موجب این تحقیقات استاد ذبیح بهروز می دانیم که شب چهارشنبه سوری، جشنی است که مانند بیشتر جشن های ایرانی که با ستاره شناسی بستگی دارند چرا که مبدأ همه ی حساب های علمی تقویمی است. در آن روز در سال (۱۷۲۵ پیش از میلاد) زرتشت، بزرگ ترین حساب گاه شماری جهان را نموده و کیسه پدید آورده و تاریخ های کهن را درست و منظم کرده است. پس به یاد بود آن همه ساله مردم جشن بزرگی برپا کرده و با آتش افروزی، شادی خود را اعلام کرده اند و آن رصد و اصلاح تاریخ تاکنون به صورت یادمان چهارشنبه سوری یا جشن و شادمانی باقی مانده است.

«علی محمد کاوه» پژوهنده ی کتاب «گاه شماری و تاریخ گذاری از آغاز تا سرانجام معتقد است که جشن چهارشنبه سوری، یادگار و بازمانده ای از گذر سیاوش از آتش است. سرگذشت زندگی سیاوش، سرگذشت عبرت انگیز و آموزنده ایست که شرح تفصیلی آن در شاهنامه فردوسی نقل شده است. آثار و علائم اندکی که از جریان تاریخی فوق بر جای مانده نشان می دهند که سیاوش در پایان سال ثابت ۱۰۱۳ پیش از میلاد ۷۱۳ تاریخ مینا، که برابر با روز چهارشنبه بوده به دستور افراسیاب کشته شده و یک روز پس از کشته شدن سیاوش، فرزند وی کیخسرو در روز پنجشنبه، یکم فروردین ماه سال ۱۰۱۴ پیش از میلاد ۷۱۳ تاریخ مینا در توران متولد می شود و چون در آئین زرتشتی مراسم سوگواری در رثای مردگان جایز نیست، پارسایان زرتشتی در آخرین شب چهارشنبه پایان سال از آتش می گذشته اند تا خاطره ی سیاوش به منظور دفاع از عفت و پاکدامنی جاودان باقی بماند.

به طور کلی در بررسی آداب و رسوم از نظر روایتی که با نفسانیات، افکار و عقاید عامه دارند می توان گفت که اصولاً چهارشنبه سوری از طرفی روز بدرد و تودیع با سالی است که گذشته و از طرف دیگر موعد استقبال از سالی است که در آستانه حلول است و به احتمال زیاد فلسفه ی پیدایش و مناسبت تاریخی آن هم غیر از این نیست. هر یک از مراسم گوناگونی که در این روز برگزار می شود، تأییدی بر این مدعاست. تهیه ی آجیل مشکل گشا، نذر و نیاز کردن، شکستن کوزه، فالگوش ایستادن، بستن قفل یا گره زدن دستمال، قاشق زنی، بخت گشایی و بسیاری دیگر از سنت های ویژه ی این روز، همه و همه نشان گریز از نارحتی، افسردگی، ناملایمتی است که هر کس در حدود مسائل مربوط به زندگی خود، طی سالی که گذشته با آن روبه رو بوده و از همین رو در عالم اندیشه به بررسی گوشه هایی از اوضاع و احوال زندگی خود در سال نو می پردازد و ضمن این بررسی عامیانه اجرای هر یک از مراسم این روز را که منطبق با میل ها و خواسته های درونی خود یابد، در حکم نوعی گره گشایی یا نویدی برای حل مشکلات و معضلات زندگی می داند و در برخورد با حوادث آینده آن را تکیه گاه روحی و فکری می شمارد.

و نواهی او به یکی از پست ترین افراد واگذار می کرده است. این شخص مسخره در آن چند روز، به یک نوع سلطنت دروغی صوری محض، که واضح است جز تفریح و خنده و بازی هیچ منظور دیگری در آن نبوده، می پرداخته است.

پادشاه نوروزی احکامی صادر می کرد، عزل و نصب و توقیف و حبس و جریمه و مصادره می کرد و پس از چند روزی، سلطنت کوتاه او به پایان می رسید. بدین مناسبت تعبیر پادشاه نوروزی یا میرنوروزی کنایه ای است از پادشاهی که مدت سلطنتش بسیار کوتاه و فرمانروایی او بسیار متزلزل و بی اساس باشد.

این مراسم تا سیزده نوروز ادامه داشت و پس از آن میرنوروزی و همراهان متفرق می شدند و از ترس مردم، از کارهای زشتی که کرده بودند تا مدت ها پنهان بودند. بعدها مراسم میرنوروزی، تقریباً به حاجی فیروز تبدیل شد که تا امروز هم، کمابیش برگزار می شود.

امروزه کسانی را که در روزهای پایانی سال و نخست فروردین، با لباس های قرمز رنگ و صورت سیاه شده در کوچه و گذر و خیابان می بینیم که با دایره زدن و خواندن و رقصیدن مردم را سرگرم می کنند و پولی می گیرند، بازمانده شوخی ها و سرگرمی های انتخاب "میر نوروزی" و "حاکم پنج روزه" است که تنها در روزهای جشن نوروزی دیده می شوند، نه در وقت و جشنی دیگر؛ و آنان خود در شعرهایی که می خوانند، می گویند: حاجی فیروزه، عید نوروزه، سالی چند روزه.

چهارشنبه سوری

نوروز تنها جشنی است که یک جشن کوچک تر (چهارشنبه سوری) به پیشواز آن می آید و جشنی دیگر (سیزده بدر) به بدرقه آن. جشن سوری یک سنت ملی و میهنی بر جای مانده از دوران باستان است.

واژه ی سوری فارسی، در پهلوی «سوریک» است. «سور» به معنی سرخ و «ایک» پسوند صفت بوده و به معنی سرخ و سرخ رنگ است چنانکه گل سوری به معنی گل سرخ است پس این جشن را از آن جهت سوری گفته اند که عنصر اصلی مراسم آن، افروختن آتش سرخ بوده است. از آغاز پیدایش این مراسم و مناسبت تاریخی چهارشنبه سوری به یقین معلوم نیست. تنها اثر قدیمی که از این روز، آن هم به اشاره نام می برند «تاریخ بخارا» است.

جشن ده روزه ی فروردگان نیز مطابق با هر جشن دیگر ایران باستان، با افروختن آتش و نیایش های ویژه معمول بوده است اما علت اصلی آن بود که راهنمایی برای ارواح باشد تا در روشنی و فروغ آن به خانه های خود در آیند. در این شب بر پشت بام در کنار آتش، خوراک های ویژه ای قرار می دادند تا به این طریق از روانان فرود آمده پذیرایی کرده و ایشان را شاد کنند.

ایام جشن فروردگان پنج روز کیسه سال بوده است. این پنج روز میان ایرانیان باستان آغاز جشنی بسیار بزرگ به شمار رفته است و از سه لحاظ بسیار مقدس بوده است. نخست آنکه کیسه بوده و پنج روز افزون از سال محسوب می شد. دوم اینکه ایام فروردگان و نزول فروهرها به شمار رفته و سوم، پنج روز جشن

شب چهارشنبه سوری، جشنی است که مانند بیشتر جشن های ایرانی که با ستاره شناسی بستگی دارند چرا که مبدأ همه ی حساب های علمی تقویمی است. در آن روز در سال (۱۷۲۵ پیش از میلاد) زرتشت، بزرگ ترین حساب گاه شماری جهان را نموده و کیسه پدید آورده و تاریخ های کهن را درست و منظم کرده است



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نوروز در قزاقستان Nauryz Meyrami

قزاق‌ها معتقدند که اگر سال جدید با پاکیزگی و طراوت آغاز شود، تا انتهای سال این پاکیزگی و طراوت همراه اعضای خانه خواهد بود و تمیز بودن خانه در آغاز سال نو باعث می‌شود افراد آن خانه دچار بیماری و بدبختی نشوند. اگر در اولین روز بهار باران یا برف بیارد، قزاق‌ها آن را نشانه خیر و برکت آن سال قلمداد می‌کنند. در روزهای ابتدایی بهار دو گروه زنان و مردان مسابقه‌ی "قول توزان" را برگزار می‌کنند که اگر برنده این مسابقه گروه زن‌ها باشند، اعتقاد قزاق‌ها بر این است که سال خوب و پربرکتی در پیش رو خواهند داشت. در شب نوروز مراسمی را دختران قزاقی به‌جا می‌آورند و غذای "لویقی آشسار" می‌پزند و

کوچندگان قزاق زندگی سختی را در استپ‌های این کشور تجربه می‌کنند. نوروز نقطه پایانی بر دشواری‌های فصل زمستان است. قزاق‌ها با خوشحالی زمستان و آب و هوای خشن‌اش را بدرود می‌گویند و بر هوای معتدل سلام می‌کنند. نوروز برای آنان نماد زایش است و در آلاچیق‌ها به دور هم جمع می‌شوند و جشن برپا می‌دارند. در اجتماعات عشیره‌ای، خانواده‌ها زندگی در هم تنیده‌ای با یکدیگر دارند. همین ویژگی است که موجب همبستگی شدید در روستاها را فراهم می‌آورد و امروزه



با این غذا از پسرهای مورد علاقه‌شان پذیرایی می‌کنند. در عید نوروز ساعت ۳ صبح جوانان یک اسب سرکش را زین کرده و عروسکی با زنگوله بر او سوار می‌کنند و آن را رها می‌کنند تا مردم را بیدار کند. عروسک نمادی از سال نو است.

نوروز در ترکمنستان Nowruz

در کشور ترکمنستان، دوبار در سال جشن سال نو گرفته می‌شود. یکی جشن سال نو براساس تقویم میلادی و دیگری

رمز ماندگاری خانواده‌ها در شرایط سخت زندگی بوده است. در جوامع مدرن قزاقستان، نوروز یک رویداد مهم اجتماعی نیز هست. مردم در میدانی مشخص جمع می‌شوند و در این اجتماعات انواع خوراکی‌ها، پوشاک و صنایع دستی عرضه می‌شود. در تمامی روز آوای موسیقی شاد و دل‌انگیز طنین‌انداز است و آوازه‌خوانان و هنرمندان به اجرای نمایش‌های گوناگون سرگرمند. نوروز زمان مناسبی برای قزاق‌هاست تا با دوستان و خانواده اوقات خوشی را سپری کنند.

برای کوچندگان قزاق شروع بهار، شروع جشن‌های بزرگ است. عکس‌ها: پایگانی سفر

که ظرف حاوی منجق را نگهداشته، ظرف را بالای سر دخترها برده و منجقها را با هم مخلوط می‌کند و یک بند شعر می‌خواند، آنگاه یکی از منجقها را از ظرف بیرون می‌آورد، منجق متعلق به هر دختری باشد، معنی آن بند شعر گفته شده را در ارتباط با او قلمداد می‌کنند، یعنی بند شعر سروده شده در واقع ندای آن دختر محسوب می‌شود. در ایام نوروز مسابقه‌های مختلفی در ترکمنستان برگزار می‌شود که می‌توان به اسبدوانی، کشتی‌گیری، پرش برای گرفتن دستمال از بلندی، مسابقه خروس‌های جنگی و شاخ‌زنی میش‌ها، شطرنج بازی، مهره‌بازی و تاب بازی اشاره کرد.

برگزاری جشن "عید نوروز" است. پس از استقلال ترکمنستان، عید نوروز به عنوان جشن ملی به رسمیت شناخته شد و همه مردم از چگونگی مراسم این جشن مطلع هستند. مردم ترکمنستان با برگزاری مراسم پختن غذاهای مثل "نوروز یارما" و "نوروز کوجه" و تهیه سمنو به استقبال نوروز می‌روند. مردم منطقه "قاری قالا" در نوروز به زیارت "قیز بی‌بی جان" و "بولاماقلی اولیا" می‌روند. روایتی در مورد بی‌بی جان وجود دارد که، دختری بنام «بی‌بی جان» در نوروز مشغول تهیه «سمنو» بوده، یکی از حاکمان که عاشق او بوده قصد آزار و اذیت بی‌بی‌جان را می‌کند.



مراسم خرید تاجیک‌ها و قزاق‌ها همچون ایرانی‌ها در روزهای آغاز بهار پروتق است.



نوروز در تاجیکستان Navrus

عید نوروز در تاجیکستان به "خیدر ایام" یا "عید خیدر" به معنای عید بزرگ معروف است. یکی از مراسمی که از قبل از نوروز در تاجیکستان انجام می‌شود حوت نام دارد. کشاورزان در حوت که آخرین ماه سال است خود را برای بهار و کشت و کار بهاری آماده می‌کردند. در سه شب اول ماه حوت مراسمی برگزار می‌شود و در آن تاجیک‌ها به دور آتش جمع می‌شوند و شعر می‌خوانند و به رقص و شادی روی می‌آورند.

در این هنگام بی‌بی‌جان از خداوند کمک می‌طلبد. به قدرت خداوند، زمین ما بین حاکم و بی‌بی‌جان دو تکه می‌شود و دیگ حاوی سمنو نیز وارونه شده و می‌ریزد. به همین دلیل این زیارتگاه را "بولاماقلی اولیا" (بولاماق: هر غذایی که با ترکیبات مختلف درست شده و به صورت مایع باشد را گویند) نام گرفته است. مراسم "منجوق آتدی" هم از مراسم نوروزی است که در آن دخترهای جوان (معمولاً شبانگهان) به دور هم جمع می‌شوند و در ظرفی منجق‌های خود را یک به یک می‌اندازند. دختری



گل گردانی: از دیگر مراسم نوروزی تاجیک‌هاست که در آن جوانان و بزرگان به دشت رفته و از طبیعت گل چیده و به مردم ده هدیه می‌دهند و با این کار آمدن بهار را مژده می‌دهند. مردم نیز در ازای دریافت گل‌ها به گل گردان‌ها انعام می‌دهند.

آتش پرک: از دیگر آیین‌های نوروزی است که به هنگام فرارسیدن نخستین روز ماه فروردین برگزار می‌شود. سه گلخن (مشعل) از چوب درخت سرو روشن کرده می‌شود و مردم به‌خصوص جوانان و دختران از بالای شعله‌آتش می‌چند و "سرخ می‌تواز من و زردی من از تو" می‌گویند و به این وسیله کینه، کدورت، غم و درد خود را بیرون می‌کنند.

جفت براران: این مراسم قبل از شروع کار دهقانان و چند روز مانده به نوروز، در اواخر ماه حوت با نیت پربار شدن محصول سال جدید انجام می‌شود. در مراسم همه اهل خانواده شرکت می‌کنند و دهقانان پلو، نان فطیر و یا طعام مربوط به مراسم را تهیه کرده و ۱۵ تا ۲۰ نفر از کهنسالان را دعوت می‌کنند و بعد از طعام نیز این عبارات را می‌گویند: "مزید نعمت، زیاده دولت، برار کار، صحت و سلامتی خرد و کلان، رسید به بابای دهقان، خوش آمدید میهمانان." سپس صاحب خانه روغن زیر پلو را با دست گرفته و به گردن و شاخ گاوآن شخم زن می‌مالد و گاوها را گاو آهن می‌بندند و کشت بهاری را شروع می‌کنند.

مرد و کودک افغانی در نوروز لباس‌های قرمز و سبز، چشم‌های سرمه کشیده و دست‌ها و پاهای حنا بسته شده قابل مشاهده است. در چهارشنبه آخر سال از بام خانه کوزه‌ایی نو و استفاده نشده را به پایین می‌اندازند و جمله‌ی "بلا رفت و صفا آمد" را زمزمه می‌کنند و خرمن‌های بزرگ آتش روشن کرده و هنگام پریدن از روی آتش جمله‌ی "سردی ام را بگیر و گرمی ات را بده" را می‌گویند. یک روز قبل از نوروز افغانی‌ها هفت میوه خشک، زردآلو، منقی (انگوری که دانه‌های آن را بیرون آورده باشند)، کشمش، پسته، بادام، شکرپاره، سنجد و یا انجیر تهیه می‌کنند، در آب پاکیزه می‌گذارند و در روز نوروز از میهمانان خود با این میوه‌ها پذیرایی می‌کنند. غذای شب عید سبزی چلو (سبزی پلو) و ماهی است. در افغانستان هم سفره هفت‌سین چیده می‌شود با این تفاوت که همه‌ی سین‌ها خوراکی هستند. در نوروز پدران به فرزندان خود نهالی می‌دهند که آن را به نشانه‌ی شادابی و آبادی بکارند. از این رو به این روز "میله نهال‌شانی" می‌گویند.

نوروز در آذربایجان Novruz Bayram

آذربایجان تنها کشور غیرفارسی زبان است که دولت عید نوروز را عید ملی دانسته است و در خصوص پیدایش جشن نوروز، اسطوره‌ها و افسانه‌های گوناگونی نقل شده است مراسم عید در آذربایجان از سه‌شنبه (چهارشنبه‌سوری) آغاز می‌شود. در این روز مردم در کوچه‌ها آتش روشن می‌کنند و با تفنگ و گلوله‌های مخصوص به تیراندازی می‌پردازند و هنگام پرش از روی آتش جمله‌ایی با این مضمون را زمزمه می‌کنند "همه‌ی دردها و رنج‌هایم بر روی آتش ریخته شود". پس از مراسم چهارشنبه‌سوری دور سفره هفت سین جمع می‌شوند و دختران جوان در آستانه در می‌ایستند و نیت می‌کنند، اولین جمله‌ایی را که می‌شنوند، تفسیر می‌کنند و اینگونه جواب نیت خود را می‌گیرند.



منابع:

- پایگاه پژوهشی آریابوم
- گاه‌شماری و جشن‌های ایرانیان

عید نوروز در تاجیکستان به "خیدر ایام" یا "عید خیدر" به معنای عید بزرگ معروف است. یکی از مراسمی که از قبل از نوروز در تاجیکستان انجام می‌شود حوت نام دارد. کشاورزان در حوت که آخرین ماه سال است خود را برای بهار و کشت و کار بهاری آماده می‌کردند

نوروز در افغانستان Nawroz

در کابل قدیم مردم از یک ماه قبل از نوروز به پیشواز آن می‌رفتند و همراه با خانه تکانی، خیابان‌ها و کوچه‌ها را هم پاک می‌کردند و مغازه‌ها را آذین می‌بستند. به اعتقاد مردم افغانستان پوشیدن لباس نو و تمیز در نوروز شگون دارد از این رو بر تن زن